از این عمل نهی فرمود و گفت وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم و بزنی مخواهید و در نکاح میاورید آن زنانی را که بخواسته اند پدران شما مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا
از زنان بنکاح در آورده مگر آنچه گذشته است قبل از تحریم که آن معفو است إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً بدرستی که نکاح زن پدر بود قبل از نهی است
بعد از تحریم عملی زشت و ناپسندیده وَمَقْتًا و مبغوض خدای تعالی و مؤمنان این عمل بکرده مبغوض بود و فرزندی که از آن زن متولد شدی
مقت میگفتند یعنی دشمن داشته شده وَسَاءَ سَبِيلًا و بد راهی این راهست و گفته اند مراتب قبح سه است یکی قبح عقلی و فاحشه اشاره بآنست دوم
قبح شرعی و مقت عبارت از آنست سیم قبح عرفی و ساء سبیلا مشتمل بر آنست حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ حرام کرده شد بر شما أُمَّهَاتُكُمْ نکاح مادران
شما و این امهات عمومی دارد و هر زنی که نسبت مود باو راجع شود بولادت خواه از جهت ذکور چون مادر پدر و پدر پدر هر چند بالا رود و خواه
از طرف اناث چون مادر مادر و هر چند بالا باشد حکم او دارد در تحریم وَبَنَاتُكُمْ و دختران شما این نیز عامست هر زنی که نسبت او
با او گردد از جهت اولاد ذکور و اناث بیک درجه یا زیاده در بنات داخلست وَأَخَوَاتُكُمْ و خواهران شما هر زنی که با مرد در صلبی بوده یا
با رحمی گذشته او خواهر اوست پس خواهر عام باشد پدری و مادری و مادری پدری را وَعَمَّاتُكُمْ و خواهران پدران شما هر زنی که با پدر کسی یا بزرگ
هر چند بالا رود در صلبی بوده یا بر رحمی مرور نموده عمه اوست و این نیز در اطراف ثلثه منظور است پدری یا مادری یا پدر و مادری وَخَالَاتُكُمْ
و خواهران مادران شما هر زنی که با مادر کسی یا با مادر تا آنجا که برسد در صلبی بوده یا برحمی گذشته خاله او است و وقوع بوجه ثلثه مذکوره امکان دارد
وَبَنَاتُ الْأَخِ و دختران برادر بهر وجه که اخوت ثابت شود از وجوه ثلثه و بنات اولاد و اولاد ایشان و بنات اولاد اولاد ایشان هر چند فرو شوند
همان حکم دارند وَبَنَاتُ الْأُخْتِ و دختران خواهر بهر وجه که اختیت تحقیق یابد و این نیز شامل بنات اولاد دختر و اولاد ایشان هر چند
پایان رود داخل بنات اختست وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ و حرام کرده اند بر شما مادران شما و مادر رضاعی یک مرتبه ماند اگر دختر سید
و اگر شیر میدهد آنها که شما را شیر داده مرضعه را مادر گویند از برای حرمت ایشان پس هر زنی که شیر دهد کسی را و زنی که شیر داده با
شوهر آن زن را که بر شیر او آن زوجه یا ام الولد او رضاع واقع شود هم ام رضاعی اند وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ و خواهران شما از شیر خوردن
امام اعظم و مالک برانند که حکم رضاع باندک و بسیار از شیر خوردن ثابتست و مذهب شافعی و احمد آنکه از پنج بار شیر خوردن متفرق حکم
رضاع ثابت نشود وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ و مادران زنان شما جدات منکوحه از مادر و پدر و نسبت رضاع همین حکم دارد وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ
و دختران شما آن دختران که در کنار تربیت شما پرورش می یابند و شرط در حرمت ایشان آنست که متولد شده باشد مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي
دَخَلْتُمْ بِهِنَّ از آن زنان که با ایشان دخول کرده باشید فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ پس اگر نباشد شما که بخلوت در آمده باشید با ایشان دخول کنید
از مباشرت فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ پس بر گناهی نیست بر شما در نکاح ربائب وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ و دیگر از محرمات
زنان پسران که از پشتهای شما باشند چون حضرت رسول صلعم زینب را بعد از آنکه زید ابن حارثه که پسر خوانده آنحضرت بود طلاق داده
آنحضرت بعقد نکاح خود در آورد مشرکان آغاز سرزنش نمودند که زن پسر خود را خواسته است این آیه نازل آمد که حلیله پسر صلبی حرامست نه زن
کسی که او را پسر خوانده باشند وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ و دیگر حرامست بر شما آنکه جمع کنید میان دو خواهر در یک نکاح إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ
مگر آنچه پیش گذشته یعنی قبل از نهی و تحریم آن معفو عنه است و بعضی مفسران برانند که مراد از قد سلف آنست که یعقوب جمع کرده بود میان دو خواهر

مادر یهودا

مادر یهودا و از راحیل مادر یوسف و در دین او حلال بود إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا بدرستی که خدای تعالی است آمرزگار و مهربان تأمل در بیان و اسم غفران
بی بضاعت را سرمایه تمامست بیت سرمایه عاصیان بیازار امید غفران تو و رحمت بی‌غایت تست وَالْمُحْصَنَاتُ و حرام کرده شده است
بر شما شوهرداران از زنان إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مگر آنچه مالک آن شده است دستهای شما ابو سعید خدری نقل میکند که در حرب حنین از غنایم
اوطاس قبیل بی قیاس باهل جهاد رسید از جمله زنانی که شوهران ایشان بحسب نسب می شناختیم بقید اسیری ما در آمده و چون حرمت زنان شوهر دار
معلوم شده بود در حل و حرمت اسیران متردد گشتیم ایشان را اگرچه ملک الیمین بود و از قبیل محصنات میشمردیم بجواز وطی ایشان بعد از هجرت ساکت
این آیه نازل شد که زنان کفار اگرچه شوهر دارند چون بسبی ملک الیمین شما شدند تصرف در ایشان حلالست بشرط استبرا ایشان از دار الحرب بی ازواج ایشان
و این قول امام اعظمست و باقی ایمه مجرد سبی ایشان را حلال میدانند كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ملازم باشید فرض خدا را در باب مناکحات یا مصدر
مؤکد است یعنی نوشت خدای تعالی نوشتنی بر شما در محرمات وَأُحِلَّ لَكُمْ حلال گردانیده شد بر شما او بعض مجهول میخوانند یعنی آنکه حلال کرده شد بر شما
مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ آنچه ورای محرمات مذکور است و بحدیث نکاح مطلقه ثلث بی تحلیل و نکاح معتده و امه بر آزاد و تزویج پنجم و نکاح ملاعنه مقرر بر حرمت
شده و تفصیلش در کتب فقه مذکور است و چون حق تعالی بیان حلال و حرام فرمود پس روا باشد شما را أَنْ تَبْتَغُوا آنکه بطلبید زنانی را که غیر حرام
باشند یعنی بنکاح در آرید و کابین کنید بِأَمْوَالِكُمْ بمالهای خود مُحْصِنِينَ در حالتی که با آن تزویج متعفف باشید یعنی دین خود را بآن نکاح
در پناه آرید غَيْرَ مُسَافِحِينَ و نباشید زنا کنندگان فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ پس هر که برخورداری یافته اید و از زنان بسبب نکاح فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
پس بدهید ایشان را مهرهای ایشان فَرِيضَةً که مقرر کرده و مفروض ساخته اید چون مهر در مقابله استمتاعست وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ و هیچ
گناهی نیست بر شما که ازواج در وجه بایند فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ در آنچه از یکدیگر راضی شوید با یکدیگر مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ از پس آن مهری که فرض شده باشد در
عقد یعنی آنچه زن ابرا کند از مهر مرد و در عوض آن چیزی باو دهد یا زن از مهر چیزی کم کند و مرد زیاده سازد و گفته اند در نفقه است یا در محبت
مفارقت إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا بدرستی که خدای تعالی داناست بمصالح عباد حکیم کار در مهمات ایشان نکاح وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ و هر که استطاعت
نیست از شما از روی توانایی و توانگری أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ آنکه بنکاح در آورد زنان آزاد گرویده را فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ پس نکاح کند
بزنی که مالک آنست دستهای شما مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ از آن کنیزکان شما که گرویده اند وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ و خدای داناتر است بگرویدن شما و حال
گرویدگان شما باشد بایمان بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ بعضی از شما ای آزادان و آن بندگان از بعضی دیگر است یعنی از یکدیگرید و پدر شما آدمست
فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ پس بخواهید کنیزکان بدستوری خداوندان ایشان چه ایشان مملوک دیگری اند وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ و بدهید کنیزکان
نکاح کرده را مهرهای ایشان بِالْمَعْرُوفِ بنیکوی یعنی بی مکاس و مضایقه و دادن مهر با ایشان هم باذن مالکان ایشان باشد مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ در حالتی
که این کنیزکان نگاه دارنده فرج خود باشند از حرام نه زنا کنندگان باشکار وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ و نه فرا گیرندگان دوستان به پنهانی فَإِذَا
أُحْصِنَّ پس آنگام که کنیزان شوهر کردند فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ پس بیایند بزنا فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ پس بر ایشان لازم است
نیمه آنچه لازم است بر زنان آزاد بی شوهر از حدی که خدای تعالی مقرر فرموده و حد زن بی شوهر صد تازیانه است از آن کنیزان پنجاه تازیانه
و زن زانیه را تغریب عامست شافعی میگوید تغریب کنیزک نصف عامست باشد و امام اعظم گفته میان جلد و نفی جمع کند برای سیاست

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)